

سال‌نمای امنیت ملی
جمهوری اسلامی ایران
تحولات راهبردی ۱۳۹۴
چشم‌انداز ۱۳۹۵

زیر نظر شورای نویسندگان



محیط منطقه‌ای

یمن

مقدمه

در اواخر سال ۱۳۹۳، بن‌بست سیاسی در یمن که به استعفای «عبدربه منصور هادی» از ریاست جمهوری انجامید، این کشور را در معرض رقابت‌های داخلی و حملات نظامی ائتلاف بین‌المللی قرار داد. استمرار اختلاف‌های سیاسی و پافشاری گروه‌های رقیب بر مواضع خود از یک سو و تلاش کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس با محوریت عربستان سعودی از سوی دیگر، تداوم بحران سیاسی در یمن را در پی داشته است. به دنبال نابسامانی سیاسی پس از استعفای منصور هادی در این کشور که به توسعه قلمرو گروه انصار الله شاخه سیاسی - نظامی جنبش حوثی بر پایتخت منجر شد، اعتراض‌های سیاسی افزایش یافت و نارضایتی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از روند تحولات یمن تشدید شد.

استعفای هادی و نخست‌وزیر وی «خالد بحاح» در زمانی صورت گرفت که انصار الله وارد پایتخت شده و در برخی استان‌ها بر دامنه فعالیت‌های سیاسی خود افزوده بود. این دو برای فشار بر انصار الله برای عقب‌نشینی این گروه از پایتخت و دخالت در اموری که مربوط به دولت پنداشته می‌شود، از سمت خود استعفا کردند. به دنبال استعفای هادی موجی از تلاش‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی برای متقاعد کردن وی برای بازگشت به قدرت در جهت تداوم روند انتقالی پس از برکناری عبدالله صالح و بازگشت ثبات به کشور صورت گرفت. پافشاری وی بر مواضع خود و امتناع از بازگشت به قدرت، سبب شد انتقادات انصار الله نسبت به عملکرد وی افزایش یابد. از همین رو، این جنبش در صدد مدیریت اوضاع بدون دولتمردان یمن برآمد. به دنبال این موضوع و در کش و قوسی طولانی، انصار الله با انتشار متنی که به «متن قانون اساسی در دوران انتقال» شهرت یافت، در قامت دولت ظاهر



شد، برخی مقامات دولتی در حصر قرار گرفتند و مجلس نمایندگان منحل و مقرر شد مجلسی جدید جایگزین آن شود. این اقدام انصار الله با مخالفت بسیاری از گروه‌ها از جمله احزاب جنوبی مواجه شد و در صنعا اعتراض‌هایی علیه این گروه صورت گرفت. متعاقب این اقدام اعضای شورای همکاری خلیج فارس و شورای امنیت برای بررسی اوضاع این کشور تشکیل جلسه دادند. شورای امنیت با صدور قطعنامه ۲۲۱۶ این اقدام انصار الله را محکوم و شورای همکاری خلیج فارس با رایزنی با هادی که اینک از صنعا گریخته بود، وی را برای پس گرفتن استعفا و بازگشت به قدرت متقاعد کرد و به دنبال آن حمله نظامی به یمن را در دستور کار قرار داد.

اجماع کشورهای عربی
در شورای امنیت و
خواست آنان مبنی بر
تحریم تسلیحاتی جنبش
انصار الله در یمن، برگ
برنده دیگری را در
مشروعیت بین‌المللی
اقدامات ریاض رقم زد.

برآورد ۱۳۹۴

در حالی که پس از استعفای هادی و مخالفت‌های داخلی و بین‌المللی، انصار الله در صدد بود از طریق مذاکره با سران احزاب و شیوخ قبایل و در مواردی با اتکا به قدرت نظامی خود آخرین مقاومت‌های هواداران هادی را در مناطق شمالی در هم شکسته و به سوی جنوب پیش‌روی کند، عربستان در ششم فروردین‌ماه، تهاجم هوایی خود را علیه این گروه، با ادعای حمایت از عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهور قانونی این کشور، آغاز کرد. در این عملیات که «توفان قاطعیت» نام داشت، قطر، کویت، امارات و بحرین، متحدان اصلی عربستان را تشکیل داده و کشورهایی مانند سودان، مراکش، مصر، اردن و ... نیز همکاری‌های نظامی اندکی داشتند. عربستان همچنین بر آن بود تا کشورهای دیگری همچون پاکستان را نیز به جرگه متحدان خود در هجوم نظامی به یمن، ملحق کند. حمایت آمریکا از عربستان و وعده حمایت‌های لجستیک به ائتلاف مذکور، مشروعیتی را که عربستان در فضای بین‌المللی به دنبال آن بود، برای این کشور تسهیل نمود. علاوه بر این، اجماع کشورهای عربی در شورای امنیت و خواست آنان مبنی بر تحریم تسلیحاتی جنبش انصار الله در یمن، برگ برنده دیگری را در مشروعیت بین‌المللی اقدامات ریاض رقم زد. تداوم حملات عربستان و متحدانش در ماه‌های نخست، در عرصه میدانی تغییر چشم‌گیری را به دنبال نداشت و حتی حوثی‌ها و متحدانشان کنترل مناطق جدیدی از جمله برخی مناطق استراتژیک در استان‌های هم‌مرز عربستان را نیز در دست گرفتند. با این حال در سایه این تقابل نظامی بخش‌هایی از انبارهای تسلیحاتی حوثی‌ها و ارتش یمن از بین رفت، هرچند توان نظامی و ساختار تشکیلاتی آن‌ها آسیبی ندیده است.

استمرار حملات سعودی‌ها در عین عدم دستیابی آن‌ها به خواسته‌های خود؛ پافشاری حوثی‌ها بر مواضع خود و ناتوانی ائتلاف در شکست آنان؛ از بین رفتن زیرساخت‌های حیاتی و خدماتی؛ افزایش شمار آوارگان و قربانیان؛ رشد القاعده و اثرات ثانویه جنگ مانند قحطی و بیماری سبب

شد طرفین به تلاش‌های بین‌المللی برای حل بحران از طریق مذاکره واکنش مثبتی نشان دهند. از همین رو در ۲۵ خردادماه ۱۳۹۴، مذاکرات میان طرف‌های درگیر در ژنو با وساطت سازمان ملل صورت گرفت. در این نشست هیچ‌گونه اشتراک دیدگاه و اعتمادی به طرف مقابل در میان دو جناح شرکت‌کننده وجود نداشت. جناح هادی و دولت سابق با حمایت عربستان که از ریاض عازم ژنو شده بود، تلاش زیادی برای مشارکت‌ندادن حوثی‌ها در مذاکرات انجام داد که با مخالفت آمریکا و پافشاری این کشور مبنی بر ضرورت حضور آنان، این تلاش‌ها بی‌نتیجه ماند. با این حال، کارشکنی عربستان مانع از آن شد هیئت حوثی‌ها و هم‌پیمانان آن‌ها که از صنعا به ژنو می‌رفتند، در موعد مقرر به ژنو برسند. این امر سبب شد هیئت مذکور با یک روز تأخیر به ژنو برسد و در افتتاحیه نشست حضور نداشته باشد. پس از این تأخیر و تفاوت مواضع طرفین، مذاکرات به مدت دو روز تمدید شد. هیئت ریاض و سازمان ملل که مشروعیت این هیئت به دلیل مشروعیت قانونی هادی را به رسمیت شناخته بود، آتش‌بس و شروع دور بعدی گفتگوها برای بازگشت آرامش به کشور را منوط به پذیرش شروط هفتگانه خود از سوی هیئت صنعا کردند. پایندی طرفین بر قطعنامه ۲۲۱۶ سازمان ملل (که در آن هادی را به عنوان رئیس جمهور قانونی برشمرده و برخی سران حوثی‌ها و حزب کنگره از جمله صالح و پسرش را تحریم کرده)، قطع تحرکات نظامی حوثی‌ها و متحدان آن‌ها، عقب‌نشینی حوثی‌ها و هواداران صالح از مناطق تحت تصرف خود و بازگرداندن سلاح‌ها به ارتش از جمله این شروط بود. پس از مخالفت هیئت صنعا با این شروط، هیئت اعزامی از ریاض با اندکی نرمش تأکید خود را بر خروج حوثی‌ها از شهرهای عدن و تعز متمرکز کرد که این درخواست نیز از سوی هیئت صنعا رد شد. همین امر سبب اعمال برخی فشارها از سوی طرف‌های غربی به این هیئت شد که نارضایتی آنان و متهم کردن سازمان ملل و کشورهای غربی به هواداری از هادی را در پی داشت. اصرار حوثی‌ها در ژنو بر این جمله که «اگر مقاومت مردمی از استان‌ها عقب‌نشینی کند، این مناطق به دست القاعده خواهد افتاد»، ضمن نشان دادن مشی آن‌ها در ضدیت با القاعده به عنوان تهدید امنیت جهانی، نشان‌دهنده تلاش آن‌ها برای آن بود که خود را نیرویی نظم‌آفرین، امنیت‌ساز و «دگر» این سازمان تروریستی نشان دهند که وجه اشتراک مهمی میان اهداف آن‌ها با غرب را

این، لحج و تعز مسلط شوند. همچنین، به علت تلفات سنگین جنگ، تخریب زیرساخت‌ها و

اصرار حوثی‌ها در ژنو بر این جمله که «اگر مقاومت مردمی از استان‌ها عقب‌نشینی کند، این مناطق به دست القاعده خواهد افتاد»، ضمن نشان دادن مشی آن‌ها در ضدیت با القاعده به عنوان تهدید امنیت جهانی، نشان‌دهنده تلاش آن‌ها برای نشان دادن خود به عنوان نیرویی نظم‌آفرین، امنیت‌ساز و «دگر» این سازمان تروریستی بود که وجه اشتراک مهمی میان اهداف آن‌ها با غرب را نشان می‌داد.



فقدان مواد غذایی نارضایتی‌ها از انصار الله بیشتر شد. در این مذاکرات، تنها دستاورد ملموس، تبادل بیش از ۶۵۰ اسیر میان طرفین و آتش‌بسی یک‌هفته‌ای بود که بارها از سوی سعودی‌ها نقض شد. مذاکره‌کنندگان بر سر تشکیل یک اتاق عملیات فراگیر برای نظارت بر آتش‌بس در یمن که مقرر آن در یکی از پایتخت‌های عربی باشد نیز به توافق رسیدند، اما حملات دو طرف به یکدیگر همچنان ادامه دارد. در سایه این کشمکش‌ها، روز به روز بر دامنه تحرکات گروه‌های تروریستی افزوده می‌شود و بنا به ادعای انصار الله و هواداران صالح که بخش عمده ارتش یمن را نیز همراه خود دارند، مناطق وسیعی از یمن به دست القاعده و «انصار الشریعه»^۱ افتاده است؛ ادعایی که نماینده سازمان ملل برای حل بحران یمن نیز آن را تأیید می‌کند. هم‌اکنون مناطق شرقی کشور در مجاورت مرزهای عمان و دریای عرب نه در کنترل هواداران هادی است و نه انصار الله رغبتی برای تصرف آن‌ها دارد. در این مناطق، گروه‌های سلفی نزدیک به عربستان و حزب اصلاح، شاخه یمنی اخوان المسلمین که روابط حسنه‌ای با عربستان دارد، حضور دارند. با این حال، به دلیل فقدان انسجام و سازمان‌دهی سیاسی مناسب، این منطقه به میدانی برای عرض اندام پیکارجویان سلفی، هواداران داعش، القاعده و انصار الشریعه تبدیل شده است. در این مناطق، القاعده یمن گروهی که حمله به دفتر مجله فکاهی شارلی ابدو را انجام داد، نفوذ گسترده‌ای دارد. این نفوذ به دلیل آنکه از پشتوانه‌ای اجتماعی برخوردار است، کمتر مورد اعتراض جامعه محلی آنجاست، زیرا القاعده قدرت را با آن‌ها تقسیم می‌کند. برای مثال، پس از تصرف شهرها در استان ابین، اداره آن‌ها در اختیار شوراهای محلی قرار گرفت. داعش نیز از گسترش قلمرو خود در یک کشور فاقد دولت فراگیر، غفلت نکرده است؛ چنانکه انفجار دو مسجد شیعیان در صنعا که به شهادت نزدیک به ۱۴۰ تن انجامید، نشان‌دهنده حضور جدی این گروه در یمن است. داعش پیش از این چندین بار با انتشار بیانیه‌هایی در یمن اعلام موجودیت کرده بود، حضوری که احتمال می‌رود با توجه به افزایش فشارها بر این گروه در عراق و سوریه و موقعیت راهبردی یمن در آینده افزایش یابد. نکته در خور توجه و نگران‌کننده وخامت اوضاع انسانی و تلفات جنگ است. از ابتدای حملات سعودی‌ها، بیش از ۸۰۰۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند که بیش از ۳۵۰۰ تن از آنان زن و کودک بوده‌اند. این در حالی است که در این مدت بیش از ۱۵۰۰۰ تن نیز زخمی شده‌اند که در میان آنان نیز بیش از ۲۰۰۰ زن و کودک وجود دارد. در این مدت، غالب مراکز خدماتی، زیربنایی و حتی بسیاری از مراکز دینی و آموزشی و بهداشتی مورد حمله و تخریب قرار گرفت.

۱. این گروه با انصار الشریعه لیبی متفاوت است. انصار الشریعه لیبی مؤتلف داعش است، اما انصار الشریعه یمن بخشی از تشکیلات جهانی القاعده است.

بازیگران داخلی تحولات یمن

جغرافیای قدرت در یمن پس از برکناری دولت، وضعیتی متکثر و پارادوکسیکال یافته است. در این کشور، اکنون سه جناح اصلی قدرت وجود دارد که با یکدیگر در کشمکش اند و هر کدام کنترل بخشی از کشور را در اختیار گرفته، اما به رغم این موضوع، در تقابل با رقبا ضعف‌های راهبردی دارد.

در گستره سرزمینی، اکنون بیشتر مناطق حیاتی کشور در اختیار بلوک قدرت ناشی از ائتلاف حوثی‌ها و علی عبدالله صالح قرار دارد. این بلوک با اتکا به پشتوانه مردمی و توان نظامی، بر بیشتر مناطق شمالی و کرانه‌های دریای سرخ تا ورودی باب المندب در استان تعز مسلط است؛ هرچند بخش‌هایی از استان لحج را نیز در اختیار دارد. در مناطق باورمند زیدی‌نشین یعنی استان‌های صعده، عمران، صنعاء، ذمار، حجه، محویت و ریمه که اکثریتی زیدی دارند، حوثی‌ها با اتکا به اشتراکات مذهبی، پیوندهای قبیله‌ای و اعتماد سیاسی، رضایت بخش اعظم جمعیت را جلب کرده‌اند. در کنار آن‌ها، صالح رئیس‌جمهور پیشین نیز از قدرت و نفوذ خود در ارتش و برخی قبایل استفاده کرده و آن‌ها را با خود همراه نموده است. این در حالی است که توانایی و روابط اقتصادی صالح، پشتوانه مالی خوبی برای این بلوک است. دو جناح حاضر در این بلوک به رغم اختلاف‌های سیاسی و اهداف کلان، از نظر نظامی نیز مکمل یکدیگرند و از همین رو تا کنون موفق عمل کرده‌اند. صالح پشتیبانی بخش‌هایی از ارتش و نیروهای امنیتی را با خود دارد و این موضوع به این بلوک کمک می‌کند علاوه بر کسب اطلاعات نظامی مورد نیاز، برخی تجهیزات از جمله موشک‌های کوتاه‌برد و سلاح‌های سبک و نیمه‌سنگین را نیز در اختیار داشته باشد و ارتش در برابر تجاوز خارجی بتواند از مواضع آن‌ها دفاع کند. مهم‌تر از این، حوثی‌ها جنگاوران چریکی ماهری هستند که تجربه یک دهه تقابل با دولت مرکزی و عربستان، آسیب‌پذیری آن‌ها را در برابر حملات نظامی عربستان بسیار کاهش داده است. ارتش عربستان به دلیل ماهیت مبارزه چریکی که شکست ارتش‌های کلاسیک را تقریباً قطعی می‌کند، استفاده مؤثری از نیروی زمینی نکرده و تلاش داشته با تجهیز مخالفان محلی حوثی‌ها و هواداران هادی و جنگجویانی از کشورهایمانند سودان آن‌ها را برای پیش‌روی زمینی تقویت کند. حملات هوایی عربستان نیز به رغم موفقیت نسبی شبکه همکاران اطلاعاتی عربستان در یمن در ارائه اطلاعات مکان‌های نزدیکان و وابستگان حوثی‌ها موفق عمل نکرده است، به ویژه آنکه حوثی‌ها موفق شدند چندین فروند هواپیما و هلی‌کوپترهای ائتلاف را سرنگون کنند.

دومین بلوک را هواداران منصور هادی رئیس‌جمهور رانده‌شده از قدرت، برخی گروه‌های جنبش جنوبی موسوم به «الحراک الجنوبي» و متحدان مذهبی و قبیله‌ای عربستان تشکیل می‌دهند که کنترل نیمی از قلمرو کشور را درد دست گرفته‌اند. بخش عمده قلمرو هواداران هادی یا مناطقی است که



حمله عربستان به یمن که به ظاهر به درخواست هادی بود، مشروعیت بین‌المللی وی را نشان می‌دهد، هرچند حوثی‌ها مدعی هستند وی به خاطر خیانت به کشور مشروعیت خود را از دست داده است.

حوثی‌ها تمایلی برای در اختیار گرفتن آن‌ها از خود نشان نداده‌اند یا اینکه مناطق بیابانی هستند که از تراکم جمعیتی پایین برخوردارند. با این حال آن‌ها بر استان‌های مهمی مانند عدن، ابین و حتی بخش‌هایی از لحج مسلط هستند. در ماه‌های پایانی ۱۳۹۴، قدرت دولت قانونی و هواداران هادی در بخش‌هایی از قلمرو آن‌ها در مناطقی مانند ابین، حضرموت و مهره از سوی گروه‌های سلفی و القاعده به چالش کشیده شد. این در حالی است که القاعده مدت‌ها کنترل مکلا به عنوان بزرگ‌ترین بندر یمن در دریای عرب، بزرگ‌ترین شهر منطقه شرقی و مرکز استان حضرموت را به دست گرفته بود. این بلوک در قیاس با حوثی‌ها، در بسیاری از مناطق کشور نه از نفوذ چندانی در بین شهروندان برخوردار است و نه قدرت و توان نظامی قابل ملاحظه‌ای دارد. با این حال، آن‌ها دو برگ برنده مؤثر دارند که در صورت استفاده هوشیارانه از آن‌ها می‌توانند مانع از استمرار وضعیت فعلی و در قدرت ماندن حوثی‌ها در صنعا شوند. نخست آنکه آن‌ها دولت قانونی را در اختیار دارند که به رغم تلاش حوثی‌ها، پارلمان یمن حاضر به پذیرش استعفای آن نشده است و با اعلام پس گرفتن استعفا از سوی هادی، وی در عرصه بین‌المللی رئیس‌جمهور قانونی این کشور شناخته می‌شود. حمله عربستان به یمن که به ظاهر به درخواست هادی بود، مشروعیت بین‌المللی وی را نشان می‌دهد، هرچند حوثی‌ها مدعی هستند وی به خاطر خیانت به کشور مشروعیت خود را از دست داده است. دومین مؤلفه مؤثر در قدرت این گروه را می‌توان حمایت عربستان و کشورهای عرب منطقه از آن‌ها دانست، امری که در نهایت حمایت غرب و به طور کلی جامعه جهانی از آن‌ها را در پی داشته است. این گروه دائماً بر مشروعیت خود به عنوان دولت قانونی تأکید کرده و حوثی‌ها را به شورش علیه دموکراسی و ثبات کشور، ممانعت از بازگشت آرامش به کشور و جلوگیری از آتش‌بس متهم می‌کنند، امری که در مذاکرات دوگانه گروه‌های یمنی در ژنو بارها از سوی نمایندگان دولت اعلام شد. این گروه در هر دو نشست گروه‌های یمنی در ژنو در واقع تریبونی برای اعلام مواضع عربستان بودند و با اصرار بر خواسته‌های خود، مانع شکل‌گیری توافق بر سر آتش‌بس شدند. با چراغ سبز این گروه، حملات عربستان به یمن که غالباً به کشته‌شدن شهروندان غیرنظامی انجامیده، همچنان ادامه دارد.

سومین بلوک قدرت را گروه‌های تکفیری و تروریستی تشکیل می‌دهند که عمدتاً حول القاعده جزیره العرب سامان یافته‌اند و از ابتدای انقلاب یمن روندی خزنه اما در حال رشد را تجربه می‌کنند. گروه انصار الشریعه شاخه یمنی القاعده و تشکیلات القاعده جزیره العرب که دومین شاخه خطرناک القاعده محسوب می‌شود، شاکله این بلوک را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، شاخه‌های وفادار به داعش نیز در موازات با این گروه وارد عمل شده و چندین عملیات تروریستی انجام داده‌اند که در انفجار یکی از دفاتر انصار الله و مسجد آنان در صنعا هم‌زمان با دور نخست مذاکرات گروه‌های یمنی در ژنو (۲۵ خرداد) و انفجار در مقابل مسجد «قب المهدی» صنعا نزدیک به ۱۴۰ تن جان باختند.

تا کنون گروه‌های کوچکی در یمن به داعش اعلام وفاداری کرده‌اند. صنعا، شبوه، اتق و حضرموت مناطقی هستند که داعش حضور خود را در قالب عملیات‌هایی مانند سربردن ۱۵ سرباز ارتش نشان داده است.

حوثی‌ها، هواداران صالح و برخی منابع بین‌المللی مدعی‌اند القاعده هم‌اکنون کنترل بخش‌های مهمی از استان‌های حضرموت، مهره، ابین و شبوه را در اختیار دارد و این قلمرو دائماً گسترش یافته است. در خردادماه ۱۳۹۴ آمریکا با رصد تحرکات این گروه، «ناصر الوحیشی» معاون ایمن الظواهری و نفر دوم القاعده را از طریق حملات هوایی پهپادهای خود به قتل رساند. الوحیشی یکی از بلندپایه‌ترین رهبران القاعده بود که نقش عمده‌ای در آموزش و عضوگیری القاعده داشت. با انتصاب وی به رهبری القاعده جزیره العرب، فعالیت این شاخه القاعده به مرور افزایش یافت و راهبرد این شاخه از عضوگیری و پشتیبانی لجستیکی به قلمروخواهی در جزیره العرب تغییر یافت. مهم‌ترین مؤلفه‌ای که به رشد القاعده و گروه‌های تکفیری مانند داعش در یمن کمک می‌کند، تقابل دو بلوک قبلی یعنی هواداران هادی و حوثی‌هاست.

قدرت‌های منطقه‌ای و تحولات یمن

با اینکه در نگاه نخست به نظر می‌رسد ساختار قبیله‌ای، نظام اجتماعی، تفاوت‌های مذهبی و شکاف‌های منطقه‌ای نقش مهمی در تداوم بحران فعلی و استمرار کشمکش‌های داخلی یمن ایفا می‌کند، اما واقعیت آن است که عامل اصلی جنگ و کشمکش داخلی فعلی یمن را باید در دخالت‌های خارجی و اهداف و امیال کنشگران بین‌المللی جستجو کرد. با این حال، جغرافیای فرهنگی و مسائل ژئوپلیتیکی پیوند محکمی میان عناصر داخلی و خارجی بحران به وجود آورده است. عاملان و کنش‌گران اصلی بحران فعلی یمن، کشورهای منطقه به ویژه اعراب حاشیه خلیج فارس با محوریت عربستان هستند. مسائل ژئوپلیتیکی یمن و عربستان بسیار پیچیده است. علاوه بر اشتراکات مذهبی مناطق شمال یمن و جنوب عربستان؛ یمن بر مناطق جنوبی عربستان ادعای ارضی دارد. دو کشور بر سر منابع نفتی موجود در مرز نیز با یکدیگر اختلاف نظر دارند. به رغم این اختلاف‌ها، شمار زیادی از شهروندان یمنی در صنایع نفتی عربستان کار می‌کنند، کارگرانی که ضمن کمک به اقتصاد ضعیف یمن، عربستان را نیز با آسیب‌پذیری‌هایی مواجه کرده‌اند. تلاش عربستان برای دسترسی به دریای عرب و احتمالاً ناامن کردن دریای سرخ و تنگه باب المندب به مثابه جایی که ۷۵ درصد صادرات نفتی عربستان از آن می‌گذرد، از سوی برخی گروه‌های یمنی، جایگاه این کشور را در امنیت ملی سعودی‌ها برجسته کرده است. این امر سبب شده عربستان همواره میل وافر برای تصرف کامل یا حداقل بخش قابل توجهی از یمن داشته باشد. آسیب‌پذیری عربستان از ناحیه یمن سبب شده سعودی‌ها تحولات یمن را مسئله‌ای داخلی

با توجه به شکل‌گیری جنبش انصار الله و حمایت‌های سیاسی و معنوی ایران از این گروه، احتمال تداوم حیات یک گروه هم‌پیمان همانند حزب الله لبنان در کرانه‌های دریای سرخ و جنوب عربستان بسیار محتمل است.



قلمداد کرده و تصمیم‌گیری درباره آن را به وزارت کشور محول نمایند و به موازات آن همواره تلاش شده در یمن، دولتی قوی و فراگیر که بتواند عربستان را به چالش بکشد، بر سر کار نیاید. این مهم از طریق دامن‌زدن به اختلاف‌های قبیله‌ای، مذهبی و منطقه‌ای و تطمیع افراد صورت گرفته و همین امر سبب شده به طور سنتی یمن به حیات خلوتی برای عربستان تبدیل شود. چنانکه در تصور بسیاری از حاکمان عربستان، یمن با وسعت و شمایل فعلی وجود خارجی ندارد، بلکه این منطقه یعنی جنوب جزیره العرب، تحت حمایت عربستان است. در این راستا، عربستان توانسته نفوذ قابل توجهی در میان اقشار مختلف یمنی داشته باشد. هم‌اکنون، علاوه بر منصور هادی و هوادارانش، سعودی‌ها با حزب اخوانی اصلاح، گروه‌های سلفی، برخی اعضای حزب کنگره ملی متعلق به علی عبدالله صالح، سران قبایل، نخبگان حضرومی^۱ و برخی احزاب جنوبی روابط حسنه‌ای دارند.

در سطحی کلان‌تر، عربستان مسائل یمن را در چارچوب روابط و رقابت خود با جمهوری اسلامی ایران ارزیابی می‌کند. از نظرگاه سعودی، مسلط‌شدن گروه‌های نزدیک به ایران در یمن منجر به رخدادی خواهد شد که نخبگان سیاسی عربستان از آن با عنوان «محاصره عربستان توسط ایران» یاد می‌کنند. عربستان از آن بیم دارد که با تسلط گروه‌های نزدیک به ایران بر یمن، فضا برای تحرک گروه‌های شیعی این کشور در مناطق هم‌جوار یمن به ویژه در استان نجران، فراهم شود. اگرچه اعتراض‌های سیاسی پراکنده در مناطق شرقی به ویژه عوامیه در سالیان اخیر پرتعداد بوده، اما نجران تنها جایی است که پیش از این، در آن یک شورش فراگیر علیه سعودی‌ها رخ داده است. تغییر در جبهه‌بندی‌های ژئوپلیتیکی از طریق ملحق‌شدن عضو جدید از میان متحدان سابق عربستان به محور مقاومت نیز تحولی است که پذیرش آن برای سعودی‌ها دشوار است و هزینه‌های هنگفت نظامی این کشور برای عدم تحقق چنین رخدادی صورت می‌گیرد.

علاوه بر سعودی‌ها، تحولات یمن برای سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس نیز دارای اهمیت است. از همین رو، شورای همکاری خلیج فارس نقش پرتحرکی برای سمت و سو دادن به بحران فعلی یمن دارد. جدا از آنکه یمن در همسایگی شورای همکاری خلیج فارس قرار دارد، تحولات این کشور ممکن است بر قدرت و امنیت شیوخ خلیج فارس، به ویژه بر منافع اقتصادی آنان و جریان آزاد انرژی و کالا نیز اثرگذار باشد. در سطحی جزئی‌تر، هریک از این کشورها علائق، متحدان و وابستگی‌هایی در یمن دارند. عمان همسایه بلاواسطه یمن است و دو استان مهره و حضرموت که در آن گروه‌های تکفیری و القاعده نیز نفوذ دارند، همسایه عمان‌اند. عمان همچنین نگران فعالیت هواداران آرمان «یمن بزرگ» است که بر استان ظفار ادعای سرزمینی دارند. با این حال، اگرچه مسقط در پی

۱. حضرمی یا حضرومی‌ها گروهی قومی متعلق به منطقه حضرموت هستند که آرمان استقلال این منطقه را دنبال می‌کنند و بخش عمده‌ای از آنان به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند.

ایجاد دولتی مقتدر در یمن نیست، اما از ثبات یمن حمایت می‌کند و در سال ۱۳۹۴ نه تنها در ائتلاف سعودی‌ها مشارکت نکرد، بلکه بارها با هدف کاهش منازعات و تحقق آتش‌بس میزبان گروه‌های یمنی بود. قطری‌ها از اخوان المسلمین و شاخه یمنی آن یعنی «حزب اصلاح» حمایت می‌کنند و در سال گذشته در ائتلاف نظامی با سعودی‌ها همراهی کردند. اماراتی‌ها که در بین اعضای شورای همکاری به ضدیت با اخوانی‌ها شهره‌اند، میزبان هواداران صالح و حامی مالی وی هستند. با این حال در ائتلاف نظامی سعودی‌ها نیز مشارکت مؤثری داشتند، مشارکتی که سبب وارد آمدن تلفات بالای انسانی، سرنگونی هواپیما، بالگرد، پهپاد این کشور و صرف هزینه‌های اقتصادی قابل توجهی بود. بحرین نیز دنباله‌رو سعودی‌هاست و از قدرت گرفتن گروه‌های شیعی و نزدیک به ایران بیمناک است. از همین رو، به تناسب توان خود بیشتر مشارکت را در ائتلاف سعودی‌ها دارد.

مصر نیز گرچه از اثرات بی‌ثباتی در یمن بر امنیت دریای سرخ بیمناک است، اما حضور این کشور در کنار سعودی‌ها بیشتر با اهداف اقتصادی بود و جنبه نمادین داشت و نگرانی‌های داخلی مانع از ایفای نقش مؤثر این کشور در تحولات منطقه خواهد شد. با اینکه نشانه‌ای از حضور جدی صهیونیست‌ها در یمن وجود ندارد، اما این احتمال وجود دارد که آن‌ها برای جلوگیری از تثبیت قدرت حوثی‌ها تلاش خواهند کرد. اسرائیل به دلیل افکار و شعارهای حوثی‌ها از روی کار آمدن و قدرت یافتن آنان در یمن بیمناک است. شعارهای حوثی‌ها که بازتاب افکار آنان است، نه تنها نشان‌دهنده دشمنی آنان با اسرائیل بلکه چالش با یهودیان را نیز نشان می‌دهد. هم‌اکنون دو شعار از شعارهای پنج‌گانه آنان در لعن و ذم اسرائیل و یهودی‌هاست. قدرت‌گیری حوثی‌ها در یمن، بازیگری جدید را در منطقه‌ای استراتژیک به محور مقاومت اضافه خواهد کرد که فارغ از افزایش فشار بر اسرائیل و تغییر قطب‌بندی ژئوپلیتیکی منطقه، از این قابلیت برخوردار است که در دریای سرخ و مناطق مجاور یمن، منافع این رژیم را به مخاطره اندازد.

موقعیت و تحولات یمن برای جمهوری اسلامی ایران نیز حائز اهمیت است. شیعیان زیدی، نزدیک به ۴۰ درصد^۱ جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند و حوثی‌ها به عنوان جناح متشروع و انقلابی آن‌ها، دلبستگی فراوانی به ایران دارند. البته، در بحران فعلی یمن، انصار الله به عنوان هسته اصلی گروه‌های مقاومت مردمی، بسیاری از اهل سنت را نیز با خود همراه کرده است. هم‌جواری زیدی‌ها با مرزهای عربستان، بر اهمیت آن‌ها در راهبرد منطقه‌ای ایران افزوده است. با توجه به شکل‌گیری جنبش انصار الله و حمایت‌های سیاسی و معنوی ایران از این گروه، احتمال تداوم حیات یک گروه هم‌پیمان همانند حزب الله لبنان در کرانه‌های دریای سرخ و جنوب عربستان بسیار محتمل است.

۱. به دلیل فقدان سرشماری قابل اعتماد و تفاوت‌های اندک پیروان مذهب زیدی و شافعی در یمن تا پیش از تحولات اخیر آمار جمعیت زیدی‌ها بین ۴۵-۳۵ درصد ذکر شده است.



این موضوع زمانی بیشتر اهمیت می‌یابد که انصار الله، حزب الله را الگوی خود قرار داده و ظاهراً روابطی نیز با آن دارد. از سوی دیگر، ایران نیز همانند همه کشورهای منطقه منافع و دغدغه‌هایی در دریای سرخ، دریای عرب و باب المندب دارد که تحقق آن‌ها مستلزم ثبات در یمن است. حمایت از متحدان، آزادی و امنیت تجارت، مبارزه با دزدی دریایی و تروریسم و قدرت‌نمایی، سیاست‌هایی است که بر مبنای آن‌ها یمن و مناطق مجاور آن برای ایران ارزشی راهبردی دارد. اعزام منظم ناوگان دریایی ایران به آب‌های مجاور یمن در این راستا قابل ارزیابی است. در سال ۱۳۹۴، ایران همچنان به حمایت از حوثی‌ها ادامه داد و پس از تسلط آن‌ها بر صنعا میزبان هیئتی دیپلماتیک متشکل از اعضای انصار الله بود. به رغم ارائه مشاوره‌های سیاسی به حوثی‌های کم‌تجربه، ایران نتوانست جامعه جهانی را متقاعد به پذیرش مشروعیت آن‌ها کند، اما این امر سبب نشد ایران از کمک به مردم یمن دست بکشد. به رغم مخالفت شدید و کارشکنی سعودی‌ها، ایران در اوایل حمله سعودی‌ها تلاش کرد محاصره یمن را نادیده گیرد. همین امر سبب شد سعودی‌ها تلاش کنند هواپیمای حامل مجروحین یمنی و کمک‌های انسان‌دوستانه ایران را از فرود در صنعا منع کرده و با بمباران باند فرودگاه مانع فرود آن شوند. سعودی‌ها همچنین مانع از پهلوگیری کشتی ایرانی در بندر الحدیده شدند.

با اینکه در نگاه نخست به نظر می‌رسد ساختار قبیله‌ای، نظام اجتماعی، تفاوت‌های مذهبی و شکاف‌های منطقه‌ای نقش مهمی در تداوم بحران فعلی و استمرار کشمکش‌های داخلی یمن ایفا می‌کند، اما واقعیت آن است که عامل اصلی جنگ و کشمکش داخلی فعلی یمن را باید در دخالت‌های خارجی و اهداف و امیال کنشگران بین‌المللی جستجو کرد.

قدرت‌های بزرگ

در سال ۱۳۹۴، از میان قدرت‌های بزرگ، کنش‌های ایالات متحده آمریکا، روسیه و چین بر تحولات داخلی یمن اثرگذار بود. دلایل و انگیزه‌های مختلفی محرک مداخله آمریکایی‌ها در یمن است. حفظ تعادل ژئوپلیتیکی در منطقه و جلوگیری از تروریسم، مهم‌ترین راهبردهایی است که به یمن در سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده جایگاه ویژه‌ای بخشیده است. آمریکا به رغم دشمنی با ایران و روابط حسنه با سعودی‌ها که روز به روز نیز به سردی می‌گراید، در پی آن است که نفوذ هیچ یک از این دو قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه فراگیر نشود. ایالات متحده یمن را به عنوان حوزه نفوذ و حیات خلوت سعودی‌ها به رسمیت شناخته و هر گونه تغییر رأس هرم قدرت در یمن که منجر به روی کار آمدن گروه‌های نزدیک به ایران شود، برای این کشور پذیرفتنی نیست، زیرا این امر به منزله شکست سعودی‌ها و فائق آمدن ایران بر عربستان است. علاوه بر این، آمریکا نگران گسترش قلمرو ایران در دریای سرخ و روی کار آمدن گروهی ضد غربی و ضد صهیونیستی در یمن است. از سوی دیگر، آمریکا ضمن آگاهی از پیچیدگی تحولات یمن از رشد گروه‌های تروریستی مانند القاعده و حتی غرب‌ستیز مانند انصار الله نگران است. از همین رو، در امتداد سیاست گذشته خود هواداران عربستان در این کشور که را که سیاست مسالمت‌جویانه‌ای با غرب دارند، مورد حمایت

قرار می‌دهد. این کشور در سال ۱۳۹۴ ضمن تأیید ائتلاف سعودی و اقدامات عربستان، اعلام کرد از این ائتلاف حمایت اطلاعاتی خواهد کرد. این در حالی است که آمریکا با تلاش در شورای امنیت و تصویب قطع‌نامه علیه حوثی‌ها نیز عرصه را بر آنان تنگ کرد. برای روسیه نیز نوستالژی دوران جنگ سرد و نفوذ در یمن به ویژه یمن جنوبی محرکی قابل توجه برای دخالت در یمن است. با این حال، روسیه به دلیل مشغله‌های ژئوپلیتیکی مهم‌تر ترجیح می‌دهد تنها به دخالت‌های نرم‌افزاری و نامحسوس در یمن اکتفا کند. روس‌ها به خوبی واقف‌اند که تقسیم یمن، تغییری در منافع راهبردی این کشور ایجاد نمی‌کند، زیرا در شمال روابط حسنه‌ای با حوثی‌ها دارند که در صورت تجزیه یمن نیز این روابط احتمالاً ادامه می‌یابد. در جنوب نیز روس‌ها هواداران ایدئولوژیک و چپ‌گرایی دارند که چشمی به یاری روسیه دوخته‌اند و احتمالاً در صورت استقلال جنوب، نفوذ روس‌ها در عدن بسیار بیشتر از امروز خواهد بود. این چشم‌انداز نسبتاً امیدوارکننده سبب شد روس‌ها مانع تصویب قطع‌نامه ۲۲۱۶ شورای امنیت علیه حوثی‌ها نشوند و تنها برای خوشایند آن‌ها به آن رأی ممتنع دهند. بی‌تفاوتی روس‌ها از آنجا ناشی می‌شود که این قطع‌نامه با وخامت اوضاع ممکن است زمینه را برای تجزیه یمن آماده کند. علاوه بر این، روس‌ها در صددند از باتلاق یمن به مثابه مکانی برای تلافی مشغول کردن آمریکا و اقدامات غیردوستانه عربستان در زمینه کاهش قیمت نفت نیز استفاده کنند. روس‌ها با اشراف بر روند تحولات یمن، با عدم وتوی قطع‌نامه ۲۲۱۶ فضا را برای گرفتار آمدن عربستان در یمن فراهم کردند. با توجه به قطب‌بندی‌های بین‌المللی و قرار گرفتن عربستان و برخی کشورهای عرب در کنار غرب و آمریکا، روسیه در صدد است با ایجاد اخلال در این زمینه، شرایط را برای تنبیه عربستان، فشار بر این کشور، تخلیه ظرفیت‌های نظامی و حتی ژئوپلیتیکی آن آماده کند. یمن کشوری است که با توجه به وضعیت ژئوپلیتیکی خود می‌تواند بهترین کارکرد را در این زمینه داشته باشد. وجود شواهدی مبنی بر فروش سلاح سنگین توسط روس‌ها به حوثی‌ها از این منظر قابل توجیه است.

چین نیز در عین بی‌طرفی و بی‌تفاوتی، نگاه ویژه‌ای به تحولات یمن دارد. چینی‌ها از اینکه ایالات متحده خاورمیانه را ترک کرده و نگاه و تلاش خود را بر شرق دور متمرکز کند، واهمه دارند. گسترش بحران در کشورهایی مانند یمن مشغولیت آمریکا را در پی خواهد داشت. از این رو آن‌ها نیز زیرکانه از بروز هر تنش‌ی در منطقه که آمریکا را درگیر کند، استقبال می‌کنند. با توجه به مبادلات تجاری و اقتصادی چین با منطقه بدیهی است تنش‌های فراگیر و شدید نیز در راستای منافع چین نخواهد بود. از همین رو، سطح فعلی بحران یمن که ضمن مشغولیت آمریکا، امنیت حمل و نقل و تجارت را تهدید نمی‌کند، منافع چین را برآورده می‌سازد.

روس‌ها با اشراف بر روند تحولات یمن، با عدم وتوی قطع‌نامه ۲۲۱۶ فضا را برای گرفتار آمدن عربستان در یمن فراهم کردند.

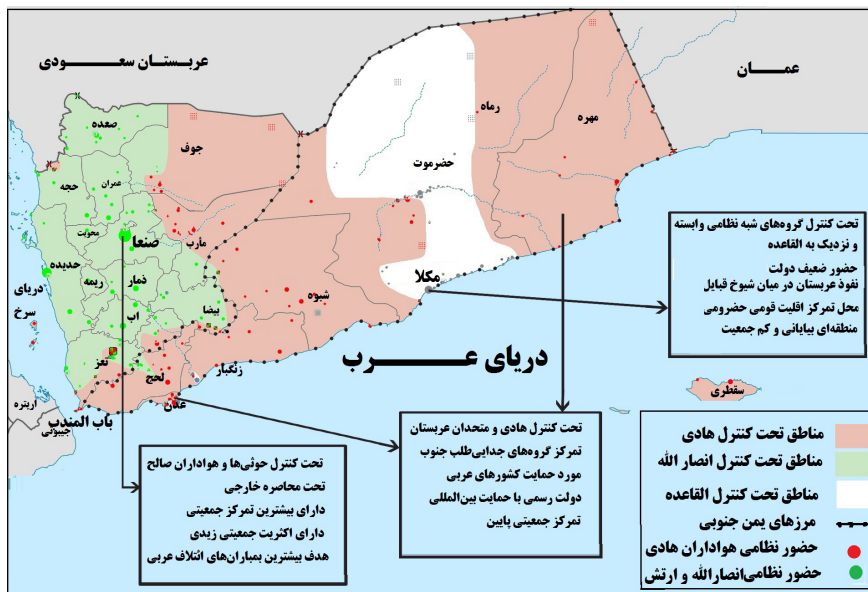


بر آورد مقایسه‌ای

در مقایسه کلی، در سال ۱۳۹۴ بروخامت اوضاع و عمق و دامنه تنش‌ها در یمن افزوده شده است. در سال ۱۳۹۳ کشمکش‌ها عمدتاً ماهیتی سیاسی داشت و معطوف به در اختیار گرفتن سمت‌های کلیدی در دولت بود، اما سال ۱۳۹۴ فروپاشی عملی دولت آغاز شد و در روزهای پایانی سال به سمت فروپاشی کشور پیش می‌رود. در سال ۱۳۹۳، انصار الله به دلیل عدم رضایت شهروندان از کارکرد دولت و پیش‌روی نظامی، پایگاه مردمی گسترده و رو به گسترشی داشت و شهروندان، شیوخ قبایل و احزاب از مناطق و استان‌های مختلف یمن، برای اعلام همبستگی و هم‌پیمانی با عبدالملک الحوثی عازم صعدة می‌شدند، اما پس از آنکه در سال ۱۳۹۴ پیوند انصار الله با علی عبدالله صالح آشکار شد، بسیاری از مؤتلفین و هم‌پیمانان انصار الله به ویژه در مناطق سنی‌نشین در نقطه مقابل این گروه قرار گرفتند.

جنبش تجزیه‌طلبان جنوب اگرچه در سال ۱۳۹۴ انسجام خود را از دست داد، اما غالب گروه‌های وابسته به آن به منصور هادی پیوستند. این در حالی است که در سال ۱۳۹۳ عمده آن‌ها در صف هواداران انصار الله بودند. در سال ۱۳۹۴، با تشدید درگیری‌ها و حملات عربستان فضا برای رشد گروه‌های سلفی و تکفیری نیز بیشتر شد. در این سال، القاعده بندر مکلا و برخی شهرهای نزدیک به دریای عرب را در اختیار گرفت. داعش نیز چندین اقدام تروریستی موفقیت‌آمیز داشت. در سال ۱۳۹۴، با حملات سعودی‌ها دامنه تلفات انسانی نیز به شدت افزایش یافت و زیرساخت‌های یمن نیز تقریباً ویران شد.

وضعیت یمن تا بهمن ۱۳۹۴



چشم‌انداز ۱۳۹۵

- چشم‌انداز روشنی برای بازگشت یمن به وضعیت پیش از حمله سعودی‌ها وجود ندارد. چون علاوه بر ویرانی زیرساخت‌ها و تلفات انسانی بالا، فرقه‌گرایی در آن تعمیق شده و گروه‌های تروریستی بیش از گذشته فعال شده‌اند.
- با توجه به کشمکش‌های موجود و مداخله سعودی‌ها، بعید به نظر می‌رسد حوثی‌ها بتوانند حتی در شمال یمن، حکومتی آرام و بدون تنش را تشکیل دهند.
- نفوذ جمهوری اسلامی ایران که نسبت به قبل از آغاز عملیات نظامی عربستان، پیشرفت چشم‌گیری داشته، در سال آینده در همین سطح باقی خواهد ماند.
- عربستان با پیوند زدن انصار الله به ایران، همچنان از حضور و تسلط حوثی‌ها بر مناطقی از یمن به مثابه اهرمی برای دامن زدن به فضای ایران‌هراسی استفاده خواهد کرد.
- اگرچه اقدامات عربستان برخی گروه‌های سیاسی را به سوی انصار الله و ایران سوق می‌دهد، اما هم‌پیمانی انصار الله و صالح ریزش‌هایی را در جبهه انصار الله در پی خواهد داشت.
- تخریب زیرساخت‌های یمن در سال‌های آینده عربستان را با موجی از آوارگان یمنی مواجه خواهد کرد که پتانسیل بالایی در ایجاد ناامنی حداقل در مناطق مرزی با عربستان دارند.
- استمرار تنش‌ها و رقابت‌های فعلی به مستهلک شدن توان نظامی انصار الله و بدنامی سیاسی این گروه خواهد انجامید و این موضوع منافع جمهوری اسلامی ایران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- مادامی که گروه‌های یمنی نتوانند فرمول لازم برای رضایت طرف مقابل را عرضه کنند، یمن صحنه کشمکش‌های داخلی خواهد بود. در چنین فضایی این کشور می‌تواند بیش از گذشته به جولانگاه گروه‌های تکفیری و هم‌پیمانان داعش تبدیل شود که نسبت به بسیاری از گروه‌های یمن از انسجام و تحرک میدانی بیشتری برخوردارند.
- به رغم تلاش‌های عربستان برای ائتلاف‌سازی علیه تروریسم با هدف سرکوب نظامی حوثی‌ها، در عمل تنها متحدان این کشور در شورای همکاری خلیج فارس در این ائتلاف‌ها حضور مؤثری خواهند یافت.
- انتظار می‌رود با نتیجه‌بخش نبودن حملات ائتلاف سعودی‌ها، تلاش کشورهای عربی برای جذب صالح و ترغیب وی برای کودتا علیه انصار الله در دستور کار قرار گیرد.
- پایین آمدن قیمت نفت، عدم موفقیت حملات هوایی و ادامه وضعیت فعلی در یمن ممکن است در کوتاه‌مدت سعودی‌ها را به سوی پذیرش دولتی بی‌طرف اما با حفظ تضمین‌های امنیتی به عربستان سوق دهد.
- کندی پیشرفت‌های نظامی و پیچیدگی تحولات ممکن است عربستان را برای تقسیم یمن و تجزیه



- جنوب متقاعد کند. در این صورت، دولتی متحد با عربستان در جنوب شکل خواهد گرفت که مناطق شمالی را در محاصره قرار خواهد داد.
- در صورت شکست عربستان در صحنه میدانی و عملیاتی، دستگاه دیپلماسی و رسانه‌ای این کشور، از ایران چهره‌ای اشغال‌گر و مخل‌ثبات در کشورهای عربی ایجاد می‌کنند که این امر اثرات نامطلوبی بر منافع ملی دارد. از این منظر، مذاکره با عربستان برای حل اختلاف‌ها و تن‌دادن به راه حلی بینابین با حفظ موجودیت و قدرت حوثی‌ها در بخشی از یمن، منطقی است.
 - اگر بی‌ثباتی فعلی به تجزیه یمن نیز بیانجامد، ایران به دلیل روابط با گروه‌های جنوبی، نفوذ خود در هر دو بخش یمن را حفظ خواهد کرد. تنها سناریویی که منافع ایران در یمن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، جنگ تمام‌عیار داخلی است که عربستان برای تحقق آن در تلاش است.
 - خلأ قدرت در یمن زمینه را برای رشد داعش به ویژه در صورت تنگ‌شدن عرصه بر این گروه در عراق و سوریه فراهم می‌کند.
 - رشد گروه‌های تروریستی و تکفیری و دسترسی القاعده به دریا که امنیت جهانی و منطقه‌ای را در معرض خطر قرار داده، بستر مناسبی برای همکاری‌های ایران با سایر کشورهای منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی قلمداد می‌شود.